

Celibacy among Single Urban Middle-Class Men: (Case of Study of Men Living in Four Iranian Metropolises)

Mohammad Taghi Sabzehei 

(Corresponding Author)

Assistant Professor of Sociology, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu- Ali Sina University, Hamadan, Iran
(m.sabzehei@basu.ac.ir)

Javad Afsharkohan 

Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran (J.Afsharkohan@gmail.com)

Ali Mohammad Ghodsi 

Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran (a.ghodsi@basu.ac.ir)

Amin Roshanpour 

PhD Student in Sociology of Social Problems of Iran, Department of Social Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran (aminrushanpoor@gmail.com)

Abstract

This qualitative study, grounded in the grounded theory approach, offers an in-depth exploration of the attitudes and lived experiences of never-married men over the age of 30 residing in four major Iranian cities: Tehran, Tabriz, Mashhad, and Isfahan, in relation to the phenomenon of voluntary singleness. A total of 24 participants, all of whom had experienced prolonged singlehood, were selected through purposive and theoretical sampling. Data were collected via in-depth interviews and analyzed using Strauss and Corbin's three-stage coding process, allowing for a comprehensive examination of the issue. Findings indicate that the tendency toward remaining single stems from a complex interplay of causal factors, including intellectual maturity, a preference for premarital relationships over permanent marriage, fear of commitment and the uncertain future of marriage, and the perceived loss of personal freedom. Contextual conditions—such as modern lifestyles and shifting perceptions of marriage—further reinforce this tendency. Meanwhile, social institutions such as the family and the state act as intervening forces by imposing customary and legal constraints that hinder the path to marriage. Consequences of this condition include the continuation of single living, increased loneliness, and a growing inclination toward relationships outside the formal framework of marriage. Overall, singleness in this study is conceptualized as a conscious choice and a strategy for preserving personal autonomy and self-actualization within the context of contemporary social transformations.

Keywords: Celibacy, Single men, Middle-class, Individualism, Extramarital affairs.

تجردگرایی در بین مردان مجرد طبقه متوسط شهری (مورد مطالعه: مردان ساکن چهار کلانشهر ایران)

محمدتقی سبزه‌ای^۱، جواد افشارکهن^۲، علی محمد قدسی^۳، امین روشن‌پور^۴

چکیده

این مطالعه با رویکرد کیفی و استفاده از نظریه زمینه‌ای، به واکاوی درک و تجربه‌های مردان مجرد بالای ۳۰ سال ساکن چهار کلانشهر تهران، تبریز، مشهد و اصفهان نسبت به تجردگرایی می‌پردازد. ۲۴ مرد شرکت‌کننده که زندگی مجردی را تجربه کرده‌اند، از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع نظری انتخاب شدند. داده‌ها با انجام مصاحبه‌های عمیق جمع‌آوری و با روش کدگذاری سه مرحله‌ای اشتراوس و کوربین تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که تجردگرایی نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل علی شامل بلوغ فکری، ارجحیت رابطه قبل از ازدواج بر ازدواج دائم، ترس از تعهدات و آینده ازدواج و احساس محدود شدن آزادی فردی است. علاوه بر این، شرایط زمینه‌ای شامل سبک زندگی نوین و تغییر ذهنیت نسبت به ازدواج، این گرایش را تقویت می‌کنند. نهادهای خانواده و دولت نیز با اعمال محدودیت‌های عرفی و قانونی نقش مداخله‌گر داشته و موانعی بر سر راه ازدواج ایجاد می‌کنند. پیامدهای این وضعیت، استمرار زندگی مجردی، افزایش تنهایی و گرایش به انواع روابط خارج از چارچوب رسمی ازدواج می‌باشد. در مجموع، تجردگرایی در این مطالعه به مثابه یک انتخاب آگاهانه و راهی برای حفظ استقلال و تحقق خود در بستر تحولات اجتماعی مدرن تحلیل شده است.

واژه‌های کلیدی: تجردگرایی، مردان مجرد، طبقه متوسط، فردگرایی، روابط خارج از ازدواج.

۱. استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول) / m.sabzehei@basu.ac.ir

۲. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران / J.Afsharkohan@gmail.com

۳. استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران / a.ghodsi@basu.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران / aminrushanpoor@gmail.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

در دهه‌های اخیر، پدیده «تجردگرایی» یا زندگی مجردانه، به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم تحولات اجتماعی، فرهنگی و نسلی، توجه بسیاری از پژوهشگران و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است. گرایش به مجرد دیگر صرفاً به‌عنوان وضعیتی موقتی یا ناشی از شرایط خاص فردی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌تدریج به یک سبک زندگی مستقل و انتخابی برای برخی از گروه‌های اجتماعی به‌ویژه در میان طبقه متوسط شهری بدل شده است. این پدیده، با وجود سابقه تاریخی نسبتاً کوتاه در ایران، به‌سرعت در حال گسترش است و نمودهای آن را می‌توان در تغییر الگوهای ازدواج، خانواده، فرزندآوری و حتی تعاملات اجتماعی مشاهده کرد. در این میان، مفهوم مجردگرایی نه‌تنها به معنای عدم ازدواج در یک دوره خاص از زندگی، بلکه به‌عنوان یک تصمیم آگاهانه و پایدار برای زندگی خارج از چارچوب رسمی ازدواج، مورد توجه قرار گرفته است. این سبک زندگی جدید، دربرگیرنده نوعی بازتعریف از هویت فردی، نقش‌های جنسیتی، استقلال اقتصادی و اولویت‌های زندگی است که در تضاد یا حداقل در فاصله با هنجارهای سنتی خانواده ایرانی قرار دارد. به عبارتی، زندگی مجردانه در ایران امروز، تنها یک وضعیت فردی نیست، بلکه به‌صورت روزافزون به یکی از نشانه‌های گذار فرهنگی و اجتماعی جامعه تبدیل شده است.

در سطح جهانی، آمارها گویای روند افزایشی زندگی مجردانه هستند. کاهش نرخ ازدواج، افزایش سن ازدواج، و نیز افزایش رضایت از زندگی مجردانه، همگی شاخص‌هایی هستند که نشان می‌دهند مجردگرایی دیگر یک استثنا نیست بلکه به یک روند رایج بدل شده است. همچنین، سهم خانوارهای تک‌نفره در اروپا طی دو دهه اخیر به حدود ۳۵ درصد رسیده است (مورتلمن^۱، ۲۰۲۳؛ ریمو^۲، ۲۰۲۱). ایران به‌عنوان کشوری در حال گذار، تحت تأثیر مدرنیته و تحولات جهانی، شاهد تغییرات اساسی در ارزش‌ها و نگرش‌های خانوادگی است. در چنین فضایی، ازدواج دیگر تنها راه تحقق استقلال نیست و جوانان به‌ویژه طبقه متوسط گرایش به حفظ استقلال از طریق مجرد دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۵: ۲۹۸). شواهد آماری و مطالعات تجربی حاکی از رشد فزاینده مجرد در میان هر دو جنس، به‌ویژه در میان تحصیل‌کردگان شهری است. نرخ مجرد قطعی (عدم ازدواج تا سن ۵۰ سالگی) در میان زنان، رشدی چشمگیر داشته و حتی در مواردی از مردان پیشی گرفته است. همچنین، سن متوسط ازدواج در مردان و زنان طی پنج دهه اخیر به‌طور مداوم افزایش یافته و در حال حاضر به بالاترین سطوح تاریخی خود رسیده است. فاصله سنی میان همسران نیز کاهش یافته است که بیانگر تغییر نگرش‌های فرهنگی به روابط زوجین و نقش‌های سنتی جنسیتی است (مرکز آمار ایران، سرشماری‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵). این تحولات، در بستری از عوامل چندلایه و پیچیده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفته‌اند. عواملی چون رشد شهرنشینی، افزایش سطح تحصیلات، ارتقاء آگاهی‌های اجتماعی، جهانی‌شدن، گسترش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، و تحول ارزش‌ها در میان نسل‌های جدید، در شکل‌گیری و تثبیت سبک زندگی مجردانه نقش‌آفرین بوده‌اند. به‌ویژه در میان طبقه متوسط شهری، که به‌طور سنتی حامل ارزش‌های نوگرایانه و پیش‌برنده تغییرات اجتماعی بوده‌اند، مجردگرایی به‌عنوان یک انتخاب آگاهانه مطرح شده است. استقلال اقتصادی، امکان اشتغال، دسترسی به فرصت‌های آموزشی و فرهنگی، و نیز افزایش قدرت چانه‌زنی در برابر هنجارهای سنتی، زمینه را برای پذیرش و نهادینه‌شدن این سبک زندگی فراهم کرده است. در این میان، مردان مجرد طبقه متوسط شهری در کلان‌شهرهایی مانند تهران، تبریز، مشهد و اصفهان، از جایگاه مهمی در مطالعه این پدیده برخوردارند. این گروه نه‌تنها در معرض مستقیم تغییرات فرهنگی و سبک زندگی

1. Mortelman
2. Raymo

شهری قرار دارند، بلکه نقش محوری در بازتولید یا نقد ارزش‌های سنتی مرتبط با مردانگی، ازدواج و خانواده ایفا می‌کنند. تجربه زیسته آنان از مجرد، تحت تأثیر متغیرهایی چون موقعیت اقتصادی، انتظارات خانوادگی، تحصیلات، فردگرایی و چشم‌اندازهای آینده قرار دارد و می‌تواند گره‌گشای فهم عمیق‌تری از تحولات اجتماعی کنونی باشد. با در نظر گرفتن پیچیدگی این پدیده، هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیل ابعاد گوناگون مجردگرایی از دیدگاه مردان مجرد طبقه متوسط شهری در چهار کلان‌شهر یادشده است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش محوری است که: «عوامل، شرایط زمینه‌ای و پیامدهای مجردگرایی در میان مردان مجرد طبقه متوسط شهری چگونه شکل گرفته و چه ویژگی‌هایی دارد؟» پاسخ به این سؤال می‌تواند چشم‌انداز روشن‌تری از تحولات اجتماعی معاصر ایران، به‌ویژه در حوزه خانواده، جنسیت و سبک زندگی ارائه دهد و مبنای مناسبی برای سیاست‌گذاری‌های اجتماعی آینده باشد.

۲. پیشینه پژوهش

اگرچه ممکن است درباره مجردگرایی تحقیقات بسیاری از منظر رشته‌های مختلف در ایران و جهان انجام شده باشند، اما بررسی و تحلیل پیشینه این پژوهش بر اساس تحلیل یافته‌های تعدادی از پژوهش‌های اجتماعی است که سه ویژگی اساسی دارند، یکی، نتایج یافته‌ها از منظر جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی تحلیل شده باشند، دوم، بر محور موضوع‌های مرتبط به هم یعنی، مجردگرایی، مجردی قطعی و تأخیر سن ازدواج متمرکز باشند، و سوم، علل و پیامدهای اجتماعی موضوع را تحلیل کرده باشند.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع مطالعه

ردیف	نویسنده / گان	سال	عنوان	روش تحقیق	نتایج
۱	بناری‌زاده و همکاران	۱۴۰۳	کاوش فرایندهای اجتماعی شکل‌گیری زیست مجردانه؛ مورد مطالعه: مردان مجرد شهر اهواز	کیفی	تحلیل مصاحبه‌ها منتج به شکل‌گیری ۷ مقوله اصلی از جمله (۱) زیست مجردانه پیوستاری از الزام موقعیت تا انتخاب سبک زندگی، (۲) زیست مجردانه ملهم از سرگذشت فردی، (۳) زیست مجردانه، فرایند دائمی مشروعیت‌سازی، (۴) زیست مجردانه، زیستن علیه تجویز فرهنگی، (۵) زیست مجردانه، زیستن در سایه مجرد زدگی، (۶) زیست مجردانه، فرصتی برای توسعه و تحقق فردی و حرفه‌ای و (۷) زیست مجردانه، امکانی برای رهایی از نظارت فراگیر شده است و در نهایت یک مقوله هسته تحت عنوان زیست مجردانه؛ ساخت گشایی زیست جهان جوانان به دست آمده است.
۲	کلاته ساداتی و همکاران	۱۴۰۲	برهمکنش فرهنگ و مجرد: واکاوی ابعاد فردی و اجتماعی، فرهنگی طولانی شدن دوران مجرد دختران در شهر یزد	کیفی	نتایج نشان می‌دهد که بیشتر مشارکت‌کنندگان شرایط فعلی خود را غیر رضایت‌بخش می‌دانند و با نوعی سخت‌زیستی مجرد مواجه‌اند. ته‌نشست‌های فرهنگی و اجتماعی نسبت به دختران مجرد از یک سو و محدودیت‌های فردی مشارکت‌کنندگان از سوی دیگر، رفاه ذهنی، روانی و اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. مضمون هسته پژوهش، زنانگی بازمانده است که به معنای یک امر بالقوه اما ناکام است.
۳	بگی	۱۴۰۲	دلایل و تعیین‌کننده‌های	کمی	نتایج نشان می‌دهد که به‌طور کلی حدود ۴۰ درصد افراد دیرتر از سن

		تأخیر ازدواج در ایران		ایده‌آل مدنظرشان ازدواج کرده بودند. برای مردان، «مشکلات اقتصادی» و برای زنان، «نیافتن فرد مناسب»، دلیل اصلی تأخیر در ازدواج بیان شد. برخلاف انتظار، تأخیر در ازدواج در میان مردان بلوچ، عرب و کُرد در مقایسه با مردان فارس در سطح بالاتری قرار داشت. مسائل اقتصادی و بیکاری دلیل اصلی این تأخیر از سوی این افراد بیان شده است که با سطح توسعه اقتصادی پایین مناطقی مطابقت دارد که این اقوام در آنجا زندگی می‌کنند.	
۴	شهریاری و مطیعی تبار	۱۴۰۱	فهم پدیدارشناسانه تجارب زیسته جوانان مجرد از شیوه جدید دیدن و دیده شدن	کیفی	نتایج پژوهش بیانگر آن است که بی‌توجهی به ارزش‌ها در مهارت‌های گزینش، تمایل به آزادی، ترس از صدمه دیدن در نگاه جدید، داشتن اولویت‌های متفاوت، عادت به روزمرگی، بازاندیشی تعاملات جنسی و جسارت ورزی‌های جنسی بود. به طور خاص، مردان، تنهایی، رهاشدگی و انزوایی که حاصل از حرکت در خلاف مسیر پذیرفته شده جامعه است را در درون خود، احساس می‌کنند و خود را متعلق به داشته‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش نمی‌داند و بدون توجه به ارزش‌ها، اقدام به تصمیم برای تعیین تکلیف خویش می‌کنند، در حالی که زنان برای جلوگیری از آسیب دیدن بدنبال ادراک شیوه جدیدی از دیده شدن در فضای مجازی و تعاملات جنسی جهت انتخاب شدن می‌باشند.
۵	دهقان حصار و همکاران	۱۴۰۱	تجردزیستی در دختران مجرد: مطالعه پدیدارشناختی چالش‌ها و راهبردها	کیفی	نتایج نشان می‌دهد که مهاجرت تحصیلی یا کاری، رخدادهای ناخواسته خانوادگی، تمایل به استقلال‌طلبی، تفاوت‌های ارزشی با خانواده از جمله زمینه‌های گرایش به تجردزیستی محسوب می‌شود. مشکلات اقتصادی، احساس تنهایی، فشار اجتماعی، پنهان کاری و تعارض در مسائل جنسی، چالش‌های تجردزیستی اند. گسترش دامنه دوستی، تمرکز بر پیشرفت کاری و مدیریت ارتباط‌های اجتماعی، راهبردهای تسهیلگر زندگی اند.
۶	مختاری و همکاران	۱۴۰۰	شناسایی پدیده تأخیر در ازدواج دختران	کیفی	نتایج نشان می‌دهد که علل تأخیر در ازدواج عبارت است از: داشتن خانواده ضد ازدواج، شخصیت فردیت طلب و زندگی در جامعه‌ی مشوق تجرد. چگونگی شکل‌گیری این عوامل حاوی سه فرآیند بود: برداشت‌های غلط مرتبط به ازدواج، ویژگی‌های تسهیلگر تجرد و مواجهه با افراد تضعیف‌کننده‌ی زوجیت‌طلبی. تأخیر در ازدواج منجر به ایجاد آثاری شده است که عبارت‌اند از: تجارب هیجانی منفی، کسب موفقیت در ابعاد مختلف و نارضایتی از وضعیت موجود. درنهایت دختران مجرد به شیوه‌های انطباقی درونی و بیرونی با این تأخیر کنار آمده بودند.
۷	گنجی و همکاران	۱۴۰۰	گونه‌شناسی دختران ازدواج نکرده ایلامی	کیفی	نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دلایل تجرد دختران ایلامی در هشت گروه کلی طبقه‌بندی می‌شوند: «دختران مجرد سردرگم»، «دختران

			برحسب دلایل تجرد	مجرد کمال‌گرا»، «دختران مجرد استقلال‌طلب»، «تعویق ازدواج تا تحقق اهداف»، «دختران مجرد مبادله‌نگر»، «انگ‌خوردگان»، «دختران مجرد سرخورده» و «دختران گرفتار در نگرش‌های بسته». در نهایت، تغییرات فرهنگی همراه با عوامل اقتصادی، نقش مهمی در افزایش سن ازدواج داشته‌اند.	
۸	طالب پور و بیرانوند	۱۴۰۰	پیامدهای تجرد قطعی دختران	تحلیل محتوای کیفی	نتایج نشان می‌دهد که تجرد قطعی منجر به پیامدهای ناخواسته‌ای می‌شود که کلیت جامعه را به طور اعم و افراد جامعه هدف را به طور اخص با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد. مضامین اصلی پیامدهای تجرد قطعی شامل؛ رها کردن تفکر ازدواج، آسیب‌پذیری تنهایی، واگویه حسرت‌های گذشته، داغ ننگ ناشی از تجرد و درماندگی اجتماعی است.
۹	وزینی افضل و همکاران	۱۳۹۹	سیاست پژوهی تجردگرایی: مطالعه کیفی سیاست پژوهی	کیفی	نتایج نشان می‌دهند که پسران و دختران از زوایای مختلفی به پدیده تجرد می‌نگرند. به طور مثال، دو سوگرایی پسران در مقابل نگرش مثبت دختران به ازدواج، عاطفه‌گرایی و عاطفه‌زدایی پسران در مقابل عاطفه‌زدایی دختران، خودمحوری در پسران و موضع منفعلانه در دختران مشاهده شد. در هر دو جنس، کمال‌گرایی و انسانی‌زدایی از همسر فرضی بارز بود.
۱۰	حبیب‌پور گتابی و غفاری	۱۳۹۵	بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران	کمی	نتایج این پژوهش نشان داد دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیش‌تری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته بیش از فرصت ازدواج است.
۱۱	ماتسودا ^۱	۲۰۲۳	وخامت اشتغال جوانان، زمینه‌های اجتماعی و کاهش ازدواج در ژاپن و کره جنوبی	کمی	نتایج نشان داد که افراد مجرد به ویژه مردانی که کارمند عادی با درآمد سالانه پایین نبودند ازدواج را به تأخیر انداختند. این ارتباط با پیشینه تحصیلی و ساختار خانواده (زندگی مشترک والدین، ابتدایی) تعدیل شد. با مقایسه این دو کشور، ژاپن تأثیر قوی‌تری بر ازدواج از سیستم سنتی خانواده دارد و کره جنوبی تأثیر قوی‌تری از مضرات اقتصادی دارد. این نشان دهنده تفاوت در استحکام نظام خانواده سنتی و میزان وخامت اشتغال جوانان در دو کشور است.
۱۲	ژائو ^۲	۲۰۲۳	افزایش قیمت مسکن و تأخیر ازدواج در چین: شواهدی از سیاست معاملات زمین شهری	کمی	نتایج حاکی از آن است که افزایش قیمت مسکن به طور قابل توجهی سن ازدواج اول را در بین مردان به تأخیر می‌اندازد. علاوه بر این، افزایش قیمت مسکن هزینه ازدواج اول را افزایش داده است. در عوض، جوانان خانه دار در ازدواج اول سن کمتری دارند. همچنین، تأثیر تأخیر ازدواج ناشی از افزایش قیمت مسکن برای زنان تحصیل‌کرده‌تر، مردان با خواهر و برادر بیشتر، و افراد شهرهای بزرگ آشکارتر است. بدتر از آن، تأثیر تأخیر ازدواج ناشی از افزایش قیمت

1. Matsuda
2. Zhao

				مسکن باعث کاهش بیشتر تمایلات باروری و کاهش نرخ واقعی باروری شد.
۱۳	سلطانا ^۱	۲۰۲۱	دلایل تجرد زنان در پاکستان: مطالعه‌ای کیفی بر تجربیات زنان مجرد	کیفی
۱۴	ماهاراج و شانگاز ^۲	۲۰۲۰	دلایل تأخیر ازدواج: نگرش زنان جوان تحصیل کرده در آفریقای جنوبی	کیفی
۱۵	آپوستولو ^۳	۲۰۲۰	دلایل تجرد افراد: شواهد تجربی از دیدگاه تکاملی	کمی

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که روند کلی تحولات خانواده در جهان و ایران به سوی رشد مجرد زیستی و تأخیر ازدواج است. تحلیل یافته‌های کمی که بیشتر از منظر جمعیت‌شناختی به موضوع نگریده‌اند، فرایندهای رو به رشد پدیده را آشکار می‌کنند، اما تصویری دقیق‌تر از موضوع ارائه نمی‌دهند و به کلیات فرایندها اکتفا می‌کنند. سایر تحقیقات درباره موضوع به تحلیل دلایل تجردگرایی از منظر دختران (که بخشی از آن می‌تواند ناخواسته باشد) پرداخته‌اند و تعدادی از تحقیقات به بررسی پیامدهای مجرد زیستی متمرکز شده‌اند، و سرانجام، گستردگی تحقیقات به یک یا چند شهر کشور اشاره کرده‌اند، اما این پژوهش در مقایسه با سایر پژوهش‌های انجام شده دارای جنبه‌های نوآورانه چندگانه‌ای است:

۱. برای اولین بار تجردگرایی را از منظر مردان مجرد طبقه متوسط بررسی می‌کند که به دلیل ویژگی‌های مصاحبه شونده‌ها شامل، داشتن سواد، ثروت، شغل و انتخاب داوطلبانه مجرد زیستی، و ساکن کلانشهر بودن، در نوع خود تازگی دارد. ۲. در سایر پژوهش‌ها همه جنبه‌های پدیده شامل علل ساختاری و مداخله‌گر، پیامدها و راهبردها به صورت جامع تحلیل نشده‌اند. ۳.

1. Sultana
2. Maharaj & Shangase
3. Apostolou

میدان و زمینه پژوهش و جامعه هدف این پژوهش تازگی دارد. و ۴. سرانجام، چارچوب تحلیلی و مفهومی این پژوهش جامعه‌شناختی و ترکیبی از نظریه‌های کلاسیک، مدرن و پست مدرن است.

۳. ملاحظات نظری

تحقیقات کیفی به طور کلی رها از نظریه و مفاهیم حساس نیستند، به این معنی که نظریه‌ها اگرچه به منظور استخراج مدل خاصی از تحقیق یا جمع‌آوری داده‌های استفاده نمی‌شوند، اما برای زمینه‌سازی ورود به مفهوم‌سازی و حساسیت نظری ضروری‌اند. لذا در این مطالعه، محققان با ذهنیتی باز وارد میدان تحقیق می‌شوند و استفاده از مباحث نظری صرفاً برای آشنایی با مفاهیم حساس در رابطه با موضوع و راهنمایی نظری پژوهشگران در فهم پدیده تجردگرایی است.

پارسونز فردگرایی نهادی‌شده را ویژگی ذاتی جامعه مدرن توصیف کرده و بر همین اساس خانواده هسته‌ای را تبیین می‌کند. به این ترتیب که با ظهور اقتصاد صنعتی، خانواده گسترده کارکرد اقتصادی را از دست می‌دهد، کار از خانه به کارخانه منتقل می‌شود و به دنبال آن افراد در جستجوی کار از خانواده جدا می‌شوند تا منافع خود را شخصاً در محیطی با شرایط متفاوت، نظیر کارخانه دنبال کنند. پارسونز با تأکید بر نابرابری‌های ایجاد شده در بین اعضای خانواده به لحاظ تخصص، مسئولیت و قدرت استدلال می‌کند که این نابرابری‌ها زمینه دگرگونی خانواده گسترده را فراهم کرده و موجب شکل‌گیری خانواده‌ی هسته‌ای شده است که در آن افراد، آزادتر از گذشته می‌توانند خواسته و سلاقی شخصی‌شان را دنبال کنند (روشه، ۱۳۸۶: ۲۱۶). ویلیام گود^۱ ظهور خانواده هسته‌ای را که بر اثر عناصر نوسازی نظیر صنعتی شدن و شهرشدن بروز می‌کند، مهم‌ترین ویژگی جامعه مدرن می‌داند. در خانواده هسته‌ای زن و مرد هر دو بیرون از خانه کار می‌کنند و تعداد فرزندان کم است. از این رو افرادی که در نقاط شهری زندگی می‌کنند به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر شهری نسبت به مناطق روستایی ازدواج‌شان با تأخیر صورت می‌گیرد. اما در مناطق روستایی در مقایسه با شهرها سن ازدواج پایین‌تر است و در برخی از موارد ازدواج‌ها زود هنگام است (گود، ۱۳۸۲: ۵۹).

لستهاق و فون دیکا^۲ معتقدند هر جامعه در حال گذاری در دو مرحله تحولاتی اساسی را تجربه خواهد کرد: گذار جمعیتی اول و دوم. گذار جمعیتی اول نتیجه تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و گذار جمعیتی دوم مرتبط به تغییر و تحولات در روابط زناشویی و تشکیل خانواده است. به نظر لستهاق و فون دیکا بر اثر نوسازی در مرحله اول تغییراتی در مرحله گذار جمعیتی دوم در ساختار خانواده شکل می‌گیرد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها کاهش نسبت ازدواج کرده‌ها، افزایش سن در اولین ازدواج، بی‌ثباتی ازدواج‌ها و افزایش طلاق‌هاست (لستاخ و نیلز: ۲۰۰۲: ۳۳۱).

به نظر آنتونی گیدنز^۳، در مدرنیته متاخر خانواده دستخوش چهار دگرگونی اصلی می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها بروز پیوندهای ازدواج بر اساس عشق رمانتیک است. در مدرنیته، خانواده دیگر یک واحد اقتصادی نیست و ازدواج در آن بر اساس اساس مصلحت‌های اقتصادی صورت نمی‌گیرد بلکه ارتباط عاطفی بین زن و مرد اساس پیوندهای اجتماعی است. عشق رمانتیک در نتیجه رشد فردگرایی در جوامع مدرن بروز می‌کند که در آن افراد بر اساس اصل رضایت فردی وارد رابطه می‌شوند و تا جایی که ازدواج منافع و علایق شخصی را تأمین کند ادامه می‌یابد. گیدنز معتقد است در مدرنیته هیچ چیز دائمی نیست و ازدواج مانند هر رابطه اجتماعی دیگر دائماً در معرض بازاندیشی قرار می‌گیرد. در مدرنیته خانواده دیگر یک واحد اقتصادی

1. Good

2. Lesthaq & Von Dyka

3. Giddens

نیست و ازدواج در آن بر اساس اساس مصلحت‌های اقتصادی صورت نمی‌گیرد بلکه ارتباط عاطفی، اساس پیوندهای اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

به نظر آلریش بک^۱، کشمکش بین دوجنس‌ویژگی اصلی ازدواج‌های امروزی است (بک، ۱۳۹۷: ۱۹)، که خود آن از فردی شدن ناشی می‌شود. به نظر بک مردم در حال رهایی از قیدوبندهای جنسیت و ویژگی‌ها و مفروضات شبه فنودالی آن هستند که به فردی شدن روابط بین دو جنس منجر می‌شود. بک می‌گوید: «من منم، و سپس من زن هستم؛ من منم و سپس من مرد هستم» (بک، ۱۳۹۷: ۲۰۱). به نظر بک، تحول دیگر در خانواده غربی به روند رو به رشد برابری زن و مرد بستگی دارد. اگر برابری به معنای ایجاد جامعه بازار کار برای هر کس تعبیر، تفسیر و عملیاتی شود، آن‌گاه، به طور ضمنی، جامعه کاملاً متحرکی متشکل از مجردها همراه با آن ایجاد می‌شود. فرد مجرد سیمای بنیانی مدرنیته کاملاً توسعه‌یافته را تشکیل خواهد داد (بک، ۱۳۹۷: ۲۳۱) و شیوه زندگی مجرد موردی انحرافی در طول مسیر مدرنیته نیست، بلکه الگوی ازلی جامعه کاملاً پیشرفته مبتنی بر بازار کار است (بک، ۱۳۹۷: ۲۳۳).

مانونل کاستلز^۲ در کتابش عصر اطلاعات، بحران پدرسالاری را باعث گوناگون شدن همه جانبه خانواده و تغییر نظام قدرت در آن می‌داند. کاستلز می‌گوید در نتیجه از بین رفتن خانواده پدرسالاری در عصر اطلاعات، اشکال جدیدی از زندگی خانوادگی ظهور پیدا می‌کند که یکی از آن‌ها مجردزیستی است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۷۵). به نظر او انقلابی در حال وقوع است که ویژگی آن از هم گسیختن رابطه بین ازدواج و برآورد نیاز جنسی است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۸۲). کاستلز همانند گیدنز معتقد است خودآیینی فزاینده بروز میل جنسی باعث دورشدن از بسترهای زناشویی و جستجوی شیوه‌های جدید ارضای میل جنسی خارج از چارچوب ازدواج می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۸۵).

زیگموند باومن^۳ در کتاب «عشق سیال» در باب ناپایداری پیوندهای انسانی معتقد است در جهان پسامدرن روابط اجتماعی با اضطراب و عدم اطمینان همراه‌اند و روابط عمیق عاطفی میان زوج‌ها مجال بروز نمی‌یابد و هرگونه تلاش برای داشتن روابطی استوار سرشار از اعتماد و تعهد و بادوام نابخردانه تلقی می‌شود. در نگاه او، صمیمیت، همدلی و فداکاری مفاهیم خطرناکی شده‌اند که ناکارآمدی آن در دنیای نامطمئن امروزی به اثبات رسیده و تن دادن به آنها کار دشواری است. باومن در زمینه تعهد معتقد است که تعهد به ویژه از نوع بلندمدت، دامی است که زوج‌ها باید از آن دوری کنند. مشاوره‌ها به افراد می‌آموزند که وقتی خود را متعهد می‌سازید، به یاد داشته باشید که احتمال دارد در حال بستن در به روی دیگر احتمالات عاشقانه‌ای باشید که ممکن است رضایت بخش‌تر و قانع‌کننده‌تر باشند، اگر می‌خواهید از دوستی‌تان احساس رضایت کنید نه تعهد بدهید و نه تعهد بگیرید، همیشه همه درها را باز نگه دارید (باومن، ۱۳۸۴: ۷۰-۱۴).

در جمع‌بندی باید گفت که چارچوب مفهومی این پژوهش ترکیبی از نظریه‌های نوسازی، مدرن و پسامدرن جامعه‌شناسان خانواده درباره ازدواج است که بر اساس آن‌ها مناسب‌ترین مقوله‌ها و مفاهیم برای تحلیل تجردگرایی از منظر پاسخگویان این تحقیق فراهم آورده است. بر اساس استنباط کلی از نظریه نوسازی مد نظر پارسنز، گود و لستهایک تغییر در زیرساخت‌های مادی باعث تغییر ذهنیت یا نگرش‌ها و ارزش‌های افراد می‌شود و از جمله درباره موضوع مورد پژوهش می‌توان این گونه استنباط کرد که ظهور تجردگرایی معلول زیست اجتماعی طبقه‌ای (متوسط) و کلان‌شهری است. بر اساس نظریه‌های مدرن بک و گیدنز،

1. Beck
2. Castells
3. Bauman

گسترش فردگرایی یکی از عوامل زمینه‌ساز گرایش جوانان به تجردگرایی در دنیای امروز است. در نظم سنتی، افراد در چهارچوب‌های قالبی و از پیش تعیین شده هنجاری ازدواج می‌کردند، اما در دنیای مدرن به تعبیر گیدنز از هنجارهای ازدواج سنت‌زدایی می‌شود، و به تعبیر بک، ازدواج از قیدوبندهای ساختاری و عرفی رها می‌شود که نتیجه آن پیدایش الگوی جدیدی از ازدواج و همزیستی زن و مرد است که با الگوی سنتی از جنبه‌های مختلف متمایز است. باومن ویژگی این الگو را تغییر مداوم و بی‌ثباتی مداوم می‌داند. بر اساس نظریه باومن، ناپایداری در ازدواج‌ها که در نوع ازدواج ایرانی هم در حال گسترش است، با شرایط دائما دگرگون شونده ساختارهای شغلی، بازاری، معیشتی و سکونتگاهی در کلانشهرها منطبق است. مجردزیستی به مثابه سبکی از زندگی مدلی از همزیستی زن و مرد است که در قالب، زندگی همبازی یا همخانگی ظهور می‌کند و به دنبال روابط دائمی و همراه با تعهد و الزام‌های قانونی نیست؛ در آن اصل لذت و خوشی و منافع فردی اولویت دارد. این سبک زندگی اگرچه هنوز در ایران عمومیت ندارد، ولی در کلان‌شهرها در بین طبقه‌ای از جامعه (متوسط شهری) در حال گسترش است و به دلیل این که می‌تواند الگوی رفتاری کنش ازدواج سایر طبقات قرار گیرد و اشاعه یابد، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت کیفی و اکتشافی و از لحاظ هدف کاربردی است. در این مطالعه از رویکرد نظریه داده بنیاد استفاده شده است. پژوهش کیفی به مطالعه مسائل در دنیای واقعی می‌پردازد و توانایی شناسایی ظریف و عمیق روابط انسانی و حقیقت‌های متکثر و فردی زندگی را داراست (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۵۰). نظریه داده بنیاد رویکردی ویژه است که توسط گلاسر و اشتراوس با هدف نظریه‌سازی از داده‌ها بر اساس بنیان‌های تفسیرگرایانه و برساخت‌گرایانه توسعه یافته است. به عبارتی، نظریه داده بنیاد کشف و استخراج نظریه از داده‌های حاصل از فرایند تحقیق اجتماعی به صورت نظام‌مند است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۱۴). در این پژوهش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و نظری انجام شد و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق جمع‌آوری گردید.

مشارکت‌کنندگان این پژوهش مردان مجرد ۳۰ سال به بالا از طبقه متوسط بودند که به طور موقت به تهران آمده و ساکن یکی از چهار کلان‌شهر تهران، تبریز، مشهد و اصفهان محسوب می‌شدند. این افراد از طریق ملاقات‌های کاری، توریستی، تصادفی و تعامل‌های روزمره در محیط کار، محله و خانه شناسایی و از میان افراد واجد شرایط (نداشتن سابقه ازدواج رسمی، داشتن حداقل مدرک کارشناسی، تعلق به طبقات متوسط به بالا) انتخاب شدند. روند نمونه‌گیری و انجام مصاحبه‌ها بر اساس اشباع نظری و با تعداد ۲۴ نفر به پایان رسید.

محورهای اصلی سوالات مصاحبه شامل نگرش به ازدواج، علل تجرد، تجربیات زیسته مجردی، پیامدهای مرتبط با تجردگرایی و سبک زندگی مجردانه بود. پرسش‌ها به گونه‌ای طراحی شدند که ابتدا زمینه کلی و تجربیات فردی مطرح شده و سپس سوالات تحلیلی‌تر برای استخراج داده‌های غنی و چندبعدی مطرح گردید. مدت زمان انجام پژوهش ۱۸ ماه، از اوایل فروردین ۱۴۰۲ تا آواخر دی‌ماه ۱۴۰۳ بود. مصاحبه‌ها به صورت حضوری انجام شد و هر جلسه بین ۳۰ تا ۷۰ دقیقه به طول انجامید. در طول مصاحبه، مصاحبه‌گر با انعطاف‌پذیری سوالات را مطرح کرده و مشارکت‌کنندگان را تشویق به بیان آزادانه تجربیات و احساسات خود نمود. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت شرکت‌کنندگان ضبط و پس از آن دقیقاً شنیده شده و متن آن‌ها تهیه شد. فرایند تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری آنها انجام گرفت؛ بدین صورت که پس از هر مصاحبه، داده‌ها کدگذاری شده و یافته‌های اولیه برای تنظیم و اصلاح سوالات مصاحبه بعدی به کار گرفته شد تا در نهایت به اشباع نظری رسیدیم.

برای افزایش اعتبار داده‌ها و یافته‌ها از روش‌های زیر استفاده شد: (۱) دقت و کفایت استنادات و کدگذاری‌ها و فرایند منظم گردآوری داده‌ها؛ (۲) توصیف ضخیم و غنی مصاحبه‌ها؛ (۳) نظارت و بازبینی توسط متخصصان و خبرگان حوزه؛ و (۴) رسیدن به اشباع داده‌ها برای اطمینان از دقت و غنای مفاهیم استخراج شده.

جدول شماره ۲: مشخصات کلی مشارکت‌کنندگان

ردیف	کد	سن	مدرک	شغل
۱	م الف	۴۴	دکتری اقتصاد	شرکت بیمه
۲	الف ۲	۳۹	لیسانس مدیریت	بنگاه معاملاتی اتومبیل
۳	س ۳	۴۱	فوق‌لیسانس روانشناسی	مرکز مشاوره روانشناسی
۴	ن ۴	۴۵	فوق‌لیسانس مکانیک	شرکت ایران خودرو
۵	ج ۵	۴۸	فوق‌لیسانس شهرسازی	شهرداری
۶	م ۶	۴۹	فوق‌لیسانس حقوق	جواهر فروشی
۷	ج ۷	۵۲	فوق‌لیسانس شیمی	صرافی رمزارز
۸	ن ۸	۵۵	دکتری ریاضی	استاد دانشگاه
۹	ر ۹	۴۳	لیسانس فلسفه	ساخت و ساز مسکن
۱۰	ر ۱۰	۳۸	دکتری دامپزشکی	مرغداری صنعتی
۱۱	م ۱۱	۴۸	لیسانس حسابداری	کارمند
۱۲	ش ۱۲	۳۸	مهندس برق	پشتیبانی اسنپ
۱۳	ک ۱۳	۴۸	مهندسی IT	شرکت همراه اول
۱۴	ص ۱۴	۴۲	فوق‌لیسانس عمران	مهندس ناظر ساختمان
۱۵	م ۱۵	۴۵	فوق‌لیسانس برنامه‌ریزی شهری	شرکت پیمانکاری
۱۶	ف ۱۶	۵۲	دکتری	دندان‌پزشک
۱۷	م ۱۷	۴۸	دکتری	دامپزشک
۱۸	م ۱۸	۴۲	لیسانس آمار	مدیریت کافی‌شاپ
۱۹	ف ۱۹	۴۰	دکترای تخصصی	پزشک
۲۰	ک ۲۰	۵۰	فوق‌لیسانس حقوق	وکیل و مشاور حقوقی
۲۱	ب ۲۱	۵۶	لیسانس بیولوژی	مغازه نوشت افزار
۲۲	الف ۲۲	۵۲	لیسانس مکانیک	مهندس شرکت ماشین‌سازی
۲۳	ک ۲۳	۳۷	فوق‌لیسانس علوم اجتماعی	دبیر
۲۴	ع ۲۴	۳۹	فوق‌لیسانس IT	مهندس دیجی کالا

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود میانگین سنی مشارکت‌کنندگان این مطالعه، بین ۳۷ تا ۵۶ سال بوده و بیشتر آنان دارای تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری بودند. از نظر حرفه‌ای، تنوع شغلی قابل توجهی میان پاسخ‌گویان وجود دارد؛ این تنوع شغلی و تحصیلی، نشان‌دهنده طیف متنوعی از تجربیات و نگرش‌ها نسبت به زندگی مجردانه در میان طبقه متوسط شهری است.

۵. یافته‌ها

مفاهیم، مقوله‌های اصلی و فرعی و مقوله مرکزی پژوهش بر اساس گفته‌های مشارکت‌کنندگان و از طریق مراحل سه گانه کدگذاری نظریه زمینه‌ای، شناسایی و در جدول شماره ۳ دسته‌بندی شده‌اند. این مقولات مجموعه نظراتی هستند که زمینه‌ها و بسترها، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پیامدها و راهبردها در خصوص پدیده تجردگرایی در بین مصاحبه شونده‌گان را نشان می‌دهد. همانطور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، مقوله هسته‌ای این پژوهش از دل ۱۴ مقوله اصلی و ۳۵ مفهوم بیرون آمده است.

جدول شماره ۳: مفاهیم، مقوله‌های اصلی، مقوله‌های فرعی و مقوله مرکزی پژوهش

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	ابعاد	مقوله مرکزی
عاقل‌شدن، حسابگرشدن، کاهش احساسات، بی‌حوصلگی، کاهش میل جنسی	محرك‌های مشروعیت‌ساز	بلوغ فکری	شرایط علی	مجردگرایی به مثابه تحقق خود در دنیای مدرن
	محرك‌های سوق‌دهنده	برتری رابطه قبل از ازدواج به ازدواج دائم		
	محرك‌های استرس‌زا	ترس از آینده ازدواج		
	محرك‌های الزام‌آور و محدودکننده	محدودشدن آزادی		
قطع یا کاهش روابط دوستانه، محدودشدن مردان به روابط فامیلی	اهمیت فردگرایی	سبک زندگی جدید افراد	شرایط زمینه‌ای	
فردگرایی مردان و زنان، اصل لذت و تنوع‌طلبی، مسئولیت‌پذیری، نگرش به خوشبختی، دوست داشتن تنهایی و لذت بردن از آن	زیست مستقل و لذت‌گرایانه	ذهنیت جدید در ازدواج (دگرپرسی در ارزش‌ها و هنجارهای ازدواج)		
تعیین قیدوبندها بر ازدواج (خانه مستقل، عروسی مجلل و ...)	مقاومت در برابر قیدوبندهای اجتماعی و فرهنگی	دخالت خانواده‌ها	شرایط مداخله‌گر	
قوانین مردستیزانه، دادگاه و زندان	قوانین محدودکننده تمایل به ازدواج	دخالت دولت (قانون)		
زندگی هم‌خانگی، تک‌خانواری	ازدست‌دادن فرصت زندگی مشترک	زیست دائمی مجردانه	پیامدها	
عادت به تنهایی و لذت‌بردن از آن	تنهایی و فرصت برای خودشناسی و لذت‌بردن از آن	تنهایی		
هم‌جنس‌گرایی، هم‌باشی، شوگر ددی و شوگر مامی	سیالیت روابط عاطفی و جنسی	روابط خارج از ازدواج		

راهبردها	کاهش قیدوبندهای عرفی بر ازدواج (مراسم ازدواج، مهریه، داشتن خانه و...)	مقاومت در برابر قوانین سنتی ازدواج	سنت‌زدایی از مراسم ازدواج
	کاهش میزان مهریه، حذف زندان	بازاندیشی در قوانین و هنجارهای ازدواج	قاعده‌زدایی از قوانین ازدواج
	مشارکت پیش‌تر زنان در تأمین هزینه‌های خانواده	تقسیم مساوی مسئولیت‌های زندگی بین زن و مرد	مسئولیت‌پذیری دوگانه زن و مرد

۱-۵. شرایط علی

بلوغ فکری

بر اساس روایت مشارکت‌کنندگان، با بالا رفتن سن ازدواج در بین مردان مجرد، نقش احساس (عشق و عاطفه) و کشش و تمایل جنسی در ازدواج کاهش می‌یابد و برعکس، نقش محاسبات عقلانی و حسابگرانه در ازدواج افزایش می‌یابد. این تغییر را می‌توان به بلوغ فکری و تجربه‌های زندگی نسبت داد که به تدریج، افراد را از تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر شور و هیجان فاصله می‌دهد و به تصمیم‌گیری‌های منطقی و حساب‌شده می‌رساند.

م الف، ۴۴ ساله که سابقه دو سال زندگی با دوست دختر ترک در ترکیه دارد می‌گوید: «وقتی سن بالا میره دیگه ازدواج کردن سخت می‌شه، هزار جور فکر و خیال میاد سمت آدم چون دیگه احساسی تصمیم نمی‌گیری بیش‌تر رو حساب و منطق عمل می‌کنی.» در روایت دو نفر دیگر از مردان مجرد بر نقش بالا رفتن سن بر تغییر و تحولات فیزیکی و روانی در مردان اشاره شده است.

الف ۲ می‌گوید: «ازدواج باید در سن شور و نشاط باشه نه در سن شعور و عقلانیت. پسرها هرچه از ۲۲ سالگی جلوتر میرن هم سرد مزاج‌تر می‌شن و هم عقل‌گراتر، بیش‌ترشون تو وادی حساب و کتاب میفتند؛ در نتیجه تمایل‌شون برای ازدواج کاهش پیدا می‌کنه.»

س ۳ نیز ضمن اشاره بر توانایی مالی‌اش برای ازدواج، دلایل شخصی ازدواج نکردش را چنین توصیف می‌کند: «قدیما پسرها کم سن و سال بودن و داغ و عاشق پیشه و محرومیت جنسی کشیده، الان وضعیت فرق کرده پسرها ترجیح میدن در سن بالا ازدواج کنند که دیگه از روی احساس و عشق و عاشقی نیست.»

نقل قول‌های ارائه شده بیانگر این است که مردان در سنین پایین‌تر، به دلیل شور جوانی و محرومیت جنسی، بیشتر تحت تأثیر احساسات و هیجانات زودگذر قرار دارند؛ اما با گذشت زمان و افزایش سن، آن‌ها تمایل دارند ازدواج را بر اساس معیارهای مالی، اجتماعی و عقلانی بسنجند. این موضوع ممکن است ناشی از تغییر اولویت‌ها در زندگی، افزایش مسئولیت‌ها و آگاهی بیشتر نسبت به پیامدهای ازدواج باشد.

برتری رابطه قبل از ازدواج نسبت به ازدواج

در گذشته تنظیم روابط جنسی پسر و دختر فقط در قالب ازدواج به رسمیت شناخته می‌شد، اما به دلیل ضعف نهاد خانواده در سال‌های اخیر و دلایل دیگر، روابط جنسی خارج از ازدواج در کنار ازدواج نیز در حال گسترش است. بر اساس روایت

مشارکت‌کنندگان، رابطه قبل از ازدواج و تداوم آن به ازدواج دائمی برتری‌هایی دارد که عبارتند از: تسهیل در برقراری رابطه، کم هزینه بودن، مسئولیت کم‌تر، تعهد کم‌تر، هیجان بیش‌تر، تنوع طلبی بیش‌تر و سیالیت. این ویژگی باعث شده است که جوانان از عبور از مراحل سخت و زمان‌بر ازدواج بگذرند و به جای آن وارد روابط موقت و کمتر متعهد شوند.

ن ۴ می‌گوید: «وقتی آدم می‌تونه با یه دختر به راحتی وارد رابطه بشه، چرا باید سختی بکشه برای به دست آوردنش و یه رابطه همیشگی که معلوم نیست داوم بیاره یا نه.»

ج ۵ معتقد است: «آقایون دنبال روابط جدی و ازدواج نمی‌رن چون دخترهای دم دستی زیاد شدن.»
ف ۱۶ که دندان‌پزشک است بیان می‌کند: «دلیل اصلی ازدواج نکردن پسرها اینه که نیاز عاطفی، جنسی و ... بدون این‌که هزینه زیادی کنند از جانب دخترها تأمین می‌شه، چرا باید زیر بار مسئولیت برن! اگه از خانمی خوششون نیاد، میرن سراغ مورد جدید، لزومی نداره زیر بار تعهد سنگین برن.»

م ۶ به اصل لذت و تنوع طلبی در رابطه موقت اشاره می‌کند: «به نظر من از بین همه عواملی که بر ازدواج نکردن مردان تأثیر داره، تنوع طلبی پسرها و راحتی دخترها، تمایل مردان رو به ازدواج کم‌تر می‌کنه، چون اکثر پسرهای امروزی دنبال رابطه تکی نمیرن، دوست دارن جوونی‌شون رو بکشن و معنی جوونی هم اینه که تنوع طلب باشی.»
این تغییر نگرش‌ها نشان‌دهنده تحول عمیق در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی پیرامون نهاد خانواده و ازدواج است. جوانان امروزی با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و روانی، ترجیح می‌دهند روابط انعطاف‌پذیرتر، کم‌هزینه‌تر و هیجان‌انگیزتری را تجربه کنند که در قالب رابطه قبل از ازدواج تحقق می‌یابد.

ترس از آینده ازدواج

روایت‌های مشارکت‌کنندگان نشان‌دهنده وجود نگرانی‌های عمیق و گسترده در میان مردان مجرد نسبت به آینده ازدواج است. این ترس‌ها عمدتاً حول محور بی‌ثباتی نهاد خانواده و افزایش نرخ طلاق، احتمال خیانت همسر، نگرانی از سرنوشت فرزندان و از دست رفتن آسایش فردی شکل گرفته‌اند. این عوامل، شرایط ریسک ازدواج را تا حد زیادی افزایش داده و موجب شده است که مردان با نگرشی محافظه‌کارانه و حتی گاهی اجتنابی به مقوله ازدواج نگاه کنند.

ر ۱۰ که ۳۶ سال سن دارد و جوانترین پاسخگوی این تحقیق است می‌گوید:

«یه ترس بزرگ بین پسرهای جوونی که میخوان ازدواج کنند اینه که دخترا این روزا هر کدوم قبل ازدواج چندین دوست پسر داشتن و احتمال زیادی وجود داره که بعد ازدواج رابطه قبلشون رو نگاه دارند و خیانت بکنند.»
الف ۲۲ درباره نگرانی‌هایش در این باره چنین حکایت می‌کند:

«الان ریسک ازدواج زیاد شده، آدم می‌ترسه ازدواج کنه و طرف تو رابطه نمونه حالا مشکل مهریه به طرف، تکلیف بچه‌ها چی می‌شه، رو زن نمی‌شه حساب کرد، الان خانم‌ها تو دوران نامزدی طلاق می‌گیرن و نصف مهریه رو می‌گیرن.»

این اظهارات بیانگر ترس از پیامدهای حقوقی و اقتصادی ازدواج و همچنین عدم اطمینان از دوام و استحکام رابطه است. در شرایطی که نهاد خانواده در حال دگرگونی و تضعیف است، و رسانه‌ها و تجارب شخصی با تأکید بر شکست‌های زناشویی همراه است، افراد به طور طبیعی احساس ناامنی و اضطراب بیشتری نسبت به ازدواج پیدا می‌کنند. این احساسات، به ویژه زمانی که با

شرایط اقتصادی و اجتماعی دشوار ترکیب شوند، تصمیم به ازدواج را به تعویق می‌اندازند. بنابراین، ترس از آینده ازدواج نه تنها منعکس‌کننده مشکلات فردی و خانوادگی است، بلکه نمایانگر چالش‌های ساختاری نهاد خانواده در جامعه امروز نیز می‌باشد.

محدودشدن آزادی

بنا به روایت مردان یکی از مزیت‌های زندگی مجردی، آزادی است که وقتی مردان ازدواج می‌کنند، آن را از دست می‌دهند. این ویژگی برای کسانی که دیر ازدواج می‌کنند، برجسته‌تر است، چون زندگی مجردی‌شان تداوم داشته است و آن‌ها به آزادی در زندگی عادت کرده‌اند. کنار گذاشتن عادت یا به قول بورديو عادت واره (آزادی) برای مردانی که دیر ازدواج می‌کنند بسیار سخت است.

کدع ۲۴ می‌گوید:

«منی که الان ۳۹ ساله و مجردم و خیلی راحت کسی نیست بهم گیر بده کجا میری، کی میری، کی میای، واسه چی خودم، و قتم نثار کسی کنم که هیچ ارزشی برام قائل نیست. خب منی که اتفاقاً خونه و ماشین و درآمد خوب دارم برای چی باید ازدواج کنم.»

ب ۲۱ که ۵۶ سن سال دارد و مسن‌ترین پاسخگوی این تحقیق است، معتقد است:

«یکی از دلایلی که مردانی که پا به سن می‌زنند دیگه ازدواج نمی‌کنن اینه که می‌فهمند ساختار ازدواج در ایران محدودیت میاره و کسایی که دوران مجردیشون آزاد بودند که هر جا خواستن برن هر کاری بکنن وقتی می‌خوان ازدواج کنند یکی از نگرانی‌هاشون اینه که زنی وارد زندگیشون بشه که آزادی رو از اونا سلب کنه.»

کد ن ۸ که ۵۵ ساله است، نگرانی جوان‌ها را از ازدواج چنین توصیف می‌کند:

«به نظرم پسرای امروزی خیلی باهوش‌تر از نسل گذشته‌شون عمل می‌کنند. پسرها بین آزادی و اسیری با تشکیل خانواده، آزادی رو انتخاب می‌کنن، چیزی باشکوه‌تر و زیباتر از آزادی در این جهان وجود نداره؛ هر جا دلت خواست میری، هر کاری خواستی انجام میدی، با هر کی بخوای رابطه برقرار می‌کنی؛ و به هیچ کس پاسخگو نیستی.»

این اظهارات نشان‌دهنده تمایل افراد به حفظ استقلال و کنترل بر زندگی شخصی است. در عین حال، شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران که نقش‌های سنتی خانواده و انتظارات از مردان در ازدواج را پررنگ می‌کند، این محدودیت‌ها را بیشتر برجسته می‌سازد. در واقع، تضاد میان ارزش‌های مدرن فردگرایی و محدودیت‌های سنتی ازدواج، موجب افزایش تعارض در تصمیم‌گیری برای ازدواج می‌شود. این تمایل به حفظ آزادی همچنین با تغییرات نسل جدید و افزایش اهمیت رضایت شخصی و خودمختاری در روابط عاطفی و اجتماعی هم‌خوانی دارد. بنابراین، محدود شدن آزادی پس از ازدواج به عنوان یک عامل روانی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند نقش مهمی در افزایش سن ازدواج و کاهش تمایل مردان به تشکیل خانواده داشته باشد.

۲-۵. شرایط زمینه‌ای

سبک زندگی جدید افراد

سبک زندگی جدید از دیدگاه مشارکت‌کنندگان اشاره به اهمیت تجمل‌گرایی (توقع بالا) و مصرف‌گرایی (مصرف بدن زنانه) در بین افراد جامعه دارد. آنچه از روایت مردان مجرد درباره شروع یک زندگی مشترک فهمیده می‌شود، توقعات بالا یا تجمعات است. داشتن مسکن و ماشین و برآورده کردن نیازهای تفریحی و مسافرتی (و نه نیازهای اولیه خوراک و پوشاک) حداقل شرایط لازم برای شروع یک زندگی است.

م ۱۱ لیسانس اقتصاد شرایط یک مرد برای شروع زندگی را چنین حکایت می‌کند:

«به خونه معمولی اونم آپارتمان الان زیر ۵ میلیارد پیدا نمی‌کنی، عروسی گرفتن ۱ میلیارد، وسایل خونه ۱ میلیارد، ماشین الان دیگه زیر ۵۰۰ میلیون نداریم، طلا و ... حالا تازه شروع کن زندگی کن».

ش ۱۲ که مهندس IT است معتقد است:

«ازدواج کنی که چی بشه، صبح تا شب کار کنی که خرج زن و بچه رو بدی، نه تفریحی، نه مسافرتی، نه گردشی نه لذتی همیشه ازت طلبکارند که تو حقوق کافی نداشته چرا زن گرفتی. هر کسی وضع مالی خوبی نداشته باشه و ازدواج کنه واقعاً اشتباه بزرگی کرده.»

تحت مقوله مصرف‌گرایی مردان هزینه اداره یک زن را خیلی بالا ارزیابی می‌کنند و به این موضوع اشاره می‌کنند که از طرفی شرایط اقتصادی مملکت خرابه و درآمد آقایون کم است، و از طرف دیگر، هزینه و تجملات خانم‌ها رو به بالا هست و این دو وضعیت پارادوکسیکالی بوجود می‌آورد که مانع ازدواج می‌شوند.

ص ۱۴ از هزینه سرسام‌آور خانم‌ها چنین حکایت می‌کنند:

«چون خرج دخترها زیاد شده یک زن کلی خرج لب و گونه، موژه، کاشت ابرو، بوتاکس صورت، لباس-های آنچنانی، وسایل خونه هم هست، این خرج‌ها کمرشکنه برای آقایون.»

م ۱۵ نیز تأکید می‌کند:

«از دید پسرها، خانم‌های امروز خیلی پرهزینه شدن و اکثر اونا مخارج زیادی رو صرف امور زیبایی و ظاهری می‌کنن که این موضوع باعث عدم گرایش پسرها به ازدواج شده.»

تحلیل شرایط زمینه‌ای نشان می‌دهد که سبک زندگی نوین با محوریت تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی، به طور مستقیم بر نگرش مردان نسبت به ازدواج تأثیرگذار است. به بیان دیگر، افزایش توقعات مالی و اجتماعی همسران، در کنار محدودیت‌های اقتصادی، مانعی جدی برای شکل‌گیری خانواده‌های نوپا و در نهایت تأثیرگذار بر نرخ ازدواج و پایداری اجتماعی محسوب می‌شود.

ذهنیت جدید در ازدواج (دگرذیسی در ارزش‌ها و هنجارهای ازدواج)

ذهنیت جدید در ازدواج از دیدگاه مشارکت‌کنندگان اشاره به اهمیت فردگرایی در میان مردان و زنان، اصل لذت و تنوع‌طلبی، مسئولیت‌پذیری، نگرش به خوشبختی در بین افراد جامعه و لذت بردن از تنهایی دارد. در ازدواج‌های سنتی اصل اساسی در ازدواج فداکاری و تلاش برای خوشبخت کردن همسر(زن) یا فرزندان از سوی مرد بود، اما به نظر می‌رسد مردان امروز وظیفه-شان را خوشبختی همسر نمی‌دانند و با این اصل مشکل داشته باشند.

م ۱۵ می‌گوید:

«چرا باید تمام زندگیم برای تأمین رفاه و آسایش و خوشحال کردن یه شخص دیگه که بهش همسر می‌گن نابود کنم پس خودم چی؟ ترجیح می‌دم به جای تأمین کردن یه شخص دیگه برم مالدیو آفتاب بگیرم.»

م ۱۷ دکترای دامپزشک می‌گوید:

«تمام عمر سخت تلاش کردم و به آرامی پیشرفت کردم. حالا که موفق شده‌ام، یک خانم پیدا می‌شه که این حالت را بهم می‌زنه؛ اینکه در تمام سختی‌ها تنها بودم و تلاش کردم، ولی حالا کسی می‌خواد از خوشی‌هام سهم بیره.»

ف ۱۶ که ۵۲ سال دارد نیز حکایت مشابهی را نقل می کند:

«من هیچ علاقه‌ای به ازدواج ندارم مجردی راحت‌ترم، سال‌ها درس خواندم و زحمت کشیدم و الان با پولام

دارم زندگی می‌کنم و لذت می‌برم.»

یکی دیگر از مفاهیمی که مقابل اصل از خودگذشتگی و فداکاری در ازدواج‌های سنتی و بیانگر تغییر در ارزش‌های ازدواج است پیگیری اصل لذت در رابطه است. اصل لذت در رابطه تعریف‌کننده هر دو پدیده ازدواج و طلاق است به صورتی که زوجین در نوع ازدواج‌های پست‌مدرنی، چنانچه باومن توصیف می‌کند، هر زمان بفهمند ازدواج کارکرد اصلیش که لذت است را از دست داده است، تصمیم به قطع رابطه می‌کنند.

به نظر ع ۳۹ ساله:

«دلیل اصلی ازدواج نکردن پسرها اینه که نیاز عاطفی، جنسی و ... بدون این‌که هزینه زیادی کنند از جانب

دختر خانم‌ها داره تأمین می‌شه، لذت رابطه موقتی خیلی بیشتر از رابطه دائمی هست.»

در ازدواج‌های سنتی مسئولیت اصلی اداره خانواده از جمله نان‌آوری به عهده مرد و کار زن عمدتاً بر محور خانه‌داری و بچه‌داری بود، اما از حکایت‌های مردان مجرد چنین فهمیده می‌شود که نقش‌های ثابت در خانواده امروزی دیگر معنا و مفهومی ندارد و از زنان انتظار می‌رود که بخشی از مسئولیت‌های تأمین هزینه‌های زندگی را به عهده بگیرند.

م ۱۸ در این باره می‌گوید:

«دلیل ازدواج نکردن جوونا درآمد نیست، مسئولیت‌های زندگی یک طرفه شده و پاداشی هم درش نیست.

مسئولیت اداره کردن زن، خانواده و بچه‌ها همه به عهده مرده.»

ک ۲۳ علاوه بر نقش اقتصاد به مسئولیت‌پذیری کم‌تر دختران در زندگی و مشکلات ناشی از این ذهنیت اشاره می‌کند و معتقد است:

«بحث مالی تو ازدواج همیشه بوده و هست. اون چیزی که از همه چی مهم‌تره زیربار زندگی نرفتن دختراست. خانم‌ها باید مسئولیت بیش‌تری تو زندگی قبول کنن.»

یکی دیگر از ارزش‌های در حال تغییر در خانواده ایده دوست داشتن تنهایی و لذت بردن از آن به جای تحمل دیگری و زندگی با دیگری است.

ف ۱۶ در این باره می‌گوید:

«افراد آگاه‌تر شدن که خودشون رو دوست داشته باشن. افراد تنهایی‌شون رو ترجیح می‌دن به بودن با کسی که هانما در کنارشون

باشه، تحمل این رو ندارن که همیشه یه نفر رو در کنار خودشون در همه جا داشته باشن.»

اظهارات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با ازدواج در جامعه معاصر دچار دگرگونی عمیقی شده‌اند، به گونه‌ای که فردگرایی، لذت‌جویی و استقلال شخصی جایگزین فداکاری، مسئولیت‌پذیری و تعهد سنتی شده‌اند. مردان و زنان امروز بیش از آنکه خود را متعهد به حفظ و استمرار خانواده بدانند، به دنبال تحقق رضایت فردی و لذت بردن از تنهایی یا روابط موقتی هستند. این تغییر نگرش، ناشی از فشارهای اقتصادی، تغییر در نقش‌های جنسیتی و افزایش توقعات متقابل در روابط است که منجر به کاهش تمایل به ازدواج و تغییر ماهیت آن شده است. بدین ترتیب، ازدواج به عنوان نهادی که

پیش‌تر بر مبنای فداکاری و مسئولیت‌پذیری استوار بود، اکنون با بازتعریف انتظارات فردی مواجه شده که پیامد این روند، افزایش گرایش به مجردگرایی و تأخیر یا اجتناب از تشکیل زندگی مشترک در میان جوانان است.

۳-۵. شرایط مداخله‌گر

دخالت خانواده

بر اساس یافته‌های این تحقیق یکی از شرایط مداخله‌کننده که به مثابه مانع جدی بر سر ازدواج‌ها عمل می‌کند، خانواده‌ها هستند. خانواده‌ها با تعیین شرایط سخت‌گیرانه ازدواج (نظیر داشتن شغل و درآمد بالا، داشتن خانه، برگزاری مراسم عروسی و گرفتن عروسی مجلل در بالارفتن سن ازدواج) تمایل به مجردگرایی در مردان را افزایش می‌دهند. ک ۲۰ می‌گوید:

«چند سال پیش به قصد ازدواج با خانمی آشنا شدم تا اینکه با خانواده پا جلو گذاشتم و رفتم خواستگاری، اولین شرطش این بود به خونه به نامم بزن جهت پشتوانه زندگی».

ب ۲۱ معتقد است:

«دلایل ازدواج نکردن زیاده ولی قیدوبندهایی که بر اساس رسم و رسومات غلط خانواده‌ها برای ازدواج می‌زارن از جمله داشتن خونه و ماشین و زندگی مستقل از اول زندگی، یا گرفتن مراسم عروسی و خریدهای آنچنانی، این‌ها بر تصمیم پسرها بر ازدواج تأثیر داره، مخصوصاً برای اونایی که از ۳۰ به بالا ازدواج می‌کنند و از حالت خامی بیرون اومدن.»

خانواده‌ها به عنوان بازیگرانی کلیدی در فرآیند ازدواج، نقش مداخله‌گر و مانع‌ساز ایفا می‌کنند که از طریق اعمال انتظارات و شروط اقتصادی و اجتماعی سخت‌گیرانه، بار مالی و روانی قابل توجهی بر متقاضیان ازدواج وارد می‌کنند. این توقعات شامل داشتن مسکن، شغل با درآمد ثابت، برگزاری مراسم مجلل و فراهم آوردن امکانات مالی قابل توجه است که فراتر از توان اقتصادی بسیاری از جوانان است. چنین فشارهایی نه تنها سن ازدواج را افزایش می‌دهد، بلکه موجب ایجاد استرس و کاهش انگیزه در میان مردان برای ورود به زندگی مشترک می‌شود. این شرایط، با تشدید تضاد بین خواسته‌های فردی و انتظارات خانوادگی، نقش مهمی در افزایش گرایش به مجردگرایی و تأخیر در تشکیل خانواده دارد. بنابراین، مداخله خانواده‌ها در قالب اعمال شرایط غیرواقع‌بینانه، یکی از عوامل ساختاری مؤثر بر کاهش نرخ ازدواج از دیدگاه مشارکت‌کنندگان محسوب می‌شود.

دخالت دولت

تحت این عناوین مردها به قوانینی از جمله، مهریه، حق طلاق، توقیف اموال، زندان، پرداخت نفقه اشاره می‌کنند که غالباً به ضرر مردهاست و در صورت طلاق زوجین، مردها از زندگی ساقط می‌شوند. در اکثر مصاحبه‌ها مردان مخالف قوانین ازدواج و طلاق بودند و از آن به نام قوانین مردستیزانه نام می‌بردند. ک ۲۰ می‌گوید:

«در قوانین ضد مرد ایران، مرد وقتی ازدواج می‌کنه تبدیل می‌شه به یه بدهکار بزرگ مالی. زن در قانون حتی خیانت هم بکنه باز می‌تونه مهریه رو بگیره.»

ر ۹ معتقد است:

«علت اصلی بی‌میلی مردان به ازدواج، قوانین ضد‌مرد که در آن مرد تبدیل به یک برده می‌شه و حق هیچ‌گونه اعتراضی هم نداره و اگر بخواد حرفی بزنه سر از زندان در میاوره.»

ن ۸ معتقد است:

«شخصاً به خاطر مهریه و قوانینی که به نظر من به نفع زنان و علیه مردان است، ازدواج نکرده‌ام. در جامعه‌ای که دختران مدعی برابری و استقلال هستند، هنوز مهریه می‌خوان و در هزینه‌های زندگی کمک نمی‌کنند و هنگام طلاق هم قانون از آن‌ها حمایت می‌کند.»

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که قوانین جاری در حوزه ازدواج و طلاق، به ویژه مقررات مربوط به مهریه، حق طلاق، نفقه و توقیف اموال، به طور قابل توجهی به ضرر مردان تعبیر شده‌اند و موجب ایجاد نارضایتی گسترده در میان آنان شده‌اند. این قوانین که از سوی برخی مردان به عنوان «قوانین مردستیزانه» خوانده می‌شوند، زمینه‌ساز کاهش تمایل مردان به ورود به نهاد خانواده و ازدواج شده‌اند. همچنین، تضاد میان ادعای برابری جنسیتی در جامعه و اجرای قوانین حمایتی یک‌طرفه، تأثیر منفی بر کاهش تمایل به ازدواج و افزایش تجردگرایی می‌شود.

۴-۵. پیامدها

مردان مجرد پیامدهای ازدواج را در قالب ۳ مقوله مجردی دائمی، روابط خارج ازدواج و تنهایی تعبیر و تفسیر کرده‌اند.

زیست دائمی مجردانه

بر اساس روایت مشارکت‌کنندگان، مردان مجرد با ورود به میانسالی احساس پیری می‌کنند و فکر می‌کنند که کار از ازدواج گذشته و فرصت از دست رفته و یک نوع تنبلی و احساس خستگی در زندگی به آن‌ها دست می‌دهد، مخصوصاً مردانی که در سن جوانی زحمت زیادی را برای به دست آوردن پول یا تحصیل صرف کرده‌اند.

م ۱ که ۴۸ سال دارد می‌گوید:

« هفته آینده ۴۸ ساله میشم. ۱۰ سال قبل وضع مالی مساعدی نداشتم، اما الان که وضعیت مالی مساعدی دارم دیگه رمق ازدواج ندارم. به نظر من پسر یا در سن حوالی بیست و پنج ازدواج کنه و یا اصلاً ازدواج نکنه. متأسفانه در این سن اگه بخوام ازدواج کنم نگران فاصله سنی زیاد با بچه هم هستم. با توجه به این که سال‌های زیادی متعهد نبودم حتی نگران تعهد هستم و این جمله رو با خودم می‌گم تا اینجاش که ازدواج نکردیم، باقی عمر هم همینجوری می‌گذرونیم.»

م ۱۷ که ۴۸ سال دارد می‌گوید:

«نوجوان که بودیم دانشجو بودم و پول نداشتم که ازدواج کنم و حالا که پول دارم دیگه اعتماد به کسی ندارم، حال و حوصله زن و بچه هم ندارم. با ازدواج نکردن یه چیز ارزشمند به دست آوردم به نام سرمایه که برام رفاه و آسایش آورده ولی یه چیز با ارزش هم به نام همسر یا تشکیل خانواده رو از دست دادم.»

مصاحبه با مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که مردان میانسال، به ویژه کسانی که در جوانی برای کسب درآمد و تحصیل تلاش زیادی کرده‌اند، با ورود به این مرحله از زندگی احساس خستگی و از دست رفتن فرصت ازدواج را تجربه می‌کنند. این وضعیت، ناشی از ترکیب فشارهای روانی، نگرانی از تفاوت سنی با فرزندان و فقدان تجربه تعهد مستمر است که به نوعی منجر به پذیرش تجرد دائمی می‌شود. در واقع، این افراد به رغم داشتن توان مالی، از لحاظ روانی و عاطفی آمادگی لازم برای ازدواج را از دست داده‌اند و ترجیح می‌دهند وضعیت موجود خود را حفظ کنند.

عادت به تنهایی

عادت به تنهایی و لذت بردن از تنهایی یکی از پیامدهای مجردی است که مردان مجرد آن را به داشتن شریک دائمی و مشاخره با او ترجیح می‌دهند.

۵ ج نظر مثبتی در رابطه با تنهایی دارد و می‌گوید:

«کسایی که فکر می‌کنند تنها هستند و با ازدواج از تنهایی در میان، باید بگم سخت در اشتباهند، تو مجردی طرف یه مشکل داره اونم تنهاییه، زن بگیری هزار و یک مشکل داری که یکیش تنهاییه.»
۱۴ ص نیز می‌گوید:

«ازدواج آدم رو از تنهایی در نمیاره تنهاتر می‌کنه. بنابراین آدم باید خودشو رو دوست داشته باشه و فکر خوشبخت کردن خودش باشه نه یگی دیگه.»

برای بسیاری از مردان مجرد، تنهایی نه تنها یک وضعیت تحمیلی بلکه به تدریج به یک سبک زندگی مطلوب و آگاهانه تبدیل شده است. این افراد، به جای مواجهه با تنش‌ها و تعارضات احتمالی زندگی مشترک، ترجیح می‌دهند از آزادی و آرامش تنهایی لذت ببرند. نگرش مثبت به تنهایی که در روایت‌های مشارکت‌کنندگان دیده می‌شود، بیانگر این است که تنهایی می‌تواند فرصتی برای خودشناسی، خودمراقبتی و تمرکز بر خوشبختی فردی باشد. این دگرگونی در ارزش‌ها و ترجیحات اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل مهم افزایش مجردگرایی باشد، چرا که افراد دیگر لزوماً ازدواج را راه‌حل رفع تنهایی نمی‌دانند و در عوض به استقلال و رضایت شخصی خود اولویت می‌دهند.

روابط خارج از ازدواج

یکی از مواردی که از روایت مصاحبه‌شوندگان استنباط می‌شود، با مدت‌دارشدن دوران مجردی رابطه خارج از ازدواج به عادت واره زندگی مجردی مبدل می‌شود و رابطه بین ازدواج و برآورد میل جنسی از بین می‌رود. به نظر مردان مجرد پیامد مجردی در مردان و (همچنین در زنان) شکل‌گیری انواع روابط خارج از ازدواج شامل شوگردی، شوگر مامی، همباشی، تداوم رابطه پارتنتری و... است.

۷ ج که ۵۲ سال دارد، معتقد است:

«دیگه ازدواج قدیمی شده مگه دیوانه‌ام برم زن بگیرم؛ اگه برای ارضای میل جنسی باشه، دوست دختر یا پارتنتری یا رابطه با بیوه‌هایی که اکثرشون هم جوون هستند کفایت می‌کنه.»
۱۱ م که ۴۸ ساله و کارمند است:

«الان همه پسرهای زن‌های مطلقه دارن زیر دستشون که هم ناز پسرو می‌کشن و هم پول خرج پسر می‌کنن، دیگه کی حوصله داره ناز دختر بکشه و واسش پول خرج کنه، مطلقه‌ها تو رختخواب هم خوبند تجربه‌شون زیاده و همه جور سرویس میدن.»

۴ ن می‌گوید: «به نظر من با مشکلات اقتصادی رو به افزایش و مشکلاتی که برای ازدواج وجود داره، مردها کم‌تر زیر بار ازدواج دائم میرن، بیش‌تر ترجیح می‌دن ازدواج سفید کنند؛ البته ازدواج سفید هم بیش‌تر در شهرهای بزرگ و کلان شهرها امکان پذیره، به این خاطر دختر و پسرهایی که سنی ازشون میره برای آزادی بیش‌تر میرن شهرهای بزرگ و مخصوصاً تهران.»

بنا بر اظهارات مشارکت‌کنندگان، روابط خارج از ازدواج به‌عنوان یکی از پیامدهای بارز مجرد طولانی‌مدت در میان مردان مجرد مطرح است، جایی که این روابط به‌مرور به بخشی از سبک زندگی و جایگزینی برای ازدواج رسمی تبدیل می‌شوند. مصاحبه‌شدگان نشان می‌دهند که انواع مختلف این روابط از جمله همباشی، روابط پارتنتری، و حتی صیغه، به دلایل اقتصادی،

اجتماعی و روانی مورد استقبال قرار می‌گیرند و موجب می‌شوند نیازهای عاطفی و جنسی بدون تعهدات و مسئولیت‌های ازدواج برآورده شود. این تغییر نگرش، که به نوعی نشان‌دهنده کاهش تمایل به ازدواج رسمی و افزایش گرایش به سبک‌های جایگزین رابطه است، تحت تأثیر فشارهای مالی و انتظارات پیچیده جامعه از ازدواج شکل گرفته است. همچنین، مهاجرت جوانان به کلان‌شهرها برای دسترسی به آزادی بیشتر در انتخاب سبک زندگی، بر شدت این پدیده افزوده است. این روند می‌تواند به تضعیف نهاد خانواده سنتی و افزایش تجردگرایی دامن بزند.

۵-۶. راهبردها

وقتی از مردان مجرد درباره شرایط برون‌رفت از وضعیت امروزی کاهش ازدواج‌ها سوال شد، جواب‌ها بر سه راه‌حل متمرکز بود: اصلاح قوانین ازدواج، بازنگری در سنت ازدواج و مسئولیت‌پذیری بیش‌تر زنان در امور خانواده.

قاعده‌زدایی از قوانین ازدواج

بر اساس روایت مصاحبه‌شوندگان اصلاح برخی قوانین سخت‌گیرانه ازدواج باعث کاهش موانع بر سر ازدواج و افزایش تعداد آن می‌شود. به نظر مردان مجرد لغو یا دست‌کم کاهش میزان مهریه، لغو مجازات‌های سنگین از جمله زندان برای عدم پرداخت مهریه و فسخ حق مهریه در صورت خیانت زن، مردان را تشویق به ازدواج می‌کند.

۱۶ ف ۵۲ ساله معتقد است:

«قانون مهریه باید برداشته بشه این طوری هیچ مردی از ترس مهریه مجرد نمی‌مونه و هیچ خانمی برای

طلب مهریه مرد رو بدبخت نمی‌کنه.»

۳ س، ۴۱ ساله می‌گوید:

«تا زمانی که تجارت مهریه هست پسرا هم میترسن ازدواج کنن؛ مگه این که برش دارن یا کمش کنن تا

ترس پسرها از ازدواج کم‌تر بشه.»

کد ۶ م ۴۹ ساله می‌گوید:

«باید قانون مهریه برداشته بشه و مانند اروپایی‌ها باشه؛ یعنی هرچی تو طول زندگی زن و شوهر به دست

بیارند به طور مساوی تقسیم بشه نه این که من امروز ۲۰۰ تا سکه مهریه کنم فردا خانم بره بزاره اجرا ۸۰۰ میلیون کاسب بشه. ما

آقایون به قانون مهریه اعتراض داریم.»

روایت‌های مصاحبه‌شدگان نشان می‌دهد که قواعد سخت‌گیرانه فعلی ازدواج، به‌ویژه قوانین مرتبط با مهریه، یکی از مهم‌ترین

موانع روانی و اقتصادی برای تمایل مردان به ازدواج است. مطالبه مهریه‌های سنگین و مجازات‌های شدید ناشی از عدم پرداخت

آن، به‌ویژه خطر زندان، به‌عنوان عامل بازدارنده‌ای عمل می‌کند که بسیاری از مردان را از ورود به نهاد ازدواج باز می‌دارد.

خواسته‌های مطرح شده مبنی بر حذف یا کاهش مهریه، و همچنین اصلاح قوانین مربوط به تقسیم دارایی‌ها، نشان‌دهنده تمایل

به قاعده‌زدایی از این مقررات است تا بار مالی و نگرانی‌های ناشی از آن کاهش یابد. این تغییرات می‌تواند نقش مهمی در کاهش

ترس و اضطراب مردان نسبت به ازدواج ایفا کند. به عبارت دیگر، اصلاح قوانین ازدواج به شکلی منصفانه‌تر و کمتر

سخت‌گیرانه، می‌تواند زمینه‌ساز بازسازی نهاد خانواده و کاهش گرایش به تجردگرایی باشد.

سنت‌زدایی از مراسم ازدواج

بر اساس روایت مشارکت‌کنندگان، سنت قدیمی ازدواج دارای قواعد و مقرراتی سخت و دست و پاگیر ازدواج است که لازم است بسیاری از آن‌ها از جمله مراسم عقد و عروسی یا شرایط داشتن خانه بسیار تعدیل شوند تا راه ازدواج برای جوانان باز شود.

۷ ج می‌گوید:

«سنت‌های غلط و قدیمی ازدواج باید منطبق با شرایط دنیای جدید تغییر کند، چرا باید به پسر هزینه‌های بالای خرید عروسی، سالن و مراسم آنچنانی رویده.»

۱۱ م که کارمند دانشگاه است می‌گوید:

«الان شرایط اقتصادی خانواده‌ها خیلی اسفناک شده به طوری که درآمد‌هاشون کفاف زندگی خانواده را نمی‌ده، چه برسه کمک‌کنن به پسرانشون تا ازدواج کنه؛ در عین حال بر اساس برخی رسوم غلط هنوز هزینه‌های ازدواج زیاده.»

۲۱ ب، ۵۶ ساله نیز می‌گوید: «چه ازدواجی، بگو معامله، موقع خواستگاری خانواده همچین سخت می‌گیرن و چنان شرط و شروطی میدارن انگار یک معامله‌ای هست که دو طرف هیچ اعتمادی به هم ندارن. این ازدواج‌ها از ریشه غلطه، برا همین طلاق زیاده.»

روایت‌های مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که سنت‌های قدیمی ازدواج با قواعد و مراسم پیچیده و هزینه‌بر، به‌ویژه در برگزاری مراسم عقد و عروسی و شروط سخت‌گیرانه خانواده‌ها، به‌عنوان موانعی جدی در مسیر ازدواج جوانان عمل می‌کنند. این مقررات دست‌وپاگیر، که اغلب با شرایط اقتصادی امروز ناسازگار است، باعث افزایش هزینه‌ها و فشارهای مالی بر خانواده‌ها و افراد می‌شود و در نهایت تمایل به ازدواج را کاهش می‌دهد.

مسئولیت‌پذیری دوگانه

از دید مشارکت‌کنندگان، راه حل برون‌رفت از مشکلات اقتصادی ازدواج با توجه به شرایط سخت اقتصادی ناشی از تورم و گرانی، تقسیم مساوی مسئولیت‌های زندگی بین زن و مرد می‌باشد.

ک ۲۰، وکیل و مشاور حقوقی می‌گوید:

«امروزه با توجه به هزینه‌های وحشتناک زندگی باید دو نفر پا به پای هم کار کنن تا بتونند آینده خوبی بسازند، امیدوارم افرادی که می‌خوان ازدواج کنند به این درک برسند.»

۱۳ ک که ۴۸ سال دارد معتقد است:

«خوشبختی به درآمد نیست؛ به اینکه دو نفر با هم تلاش کنند و زندگی شون بسازند. این یعنی امنیت نه این که خانم اسب زین‌کرده رو بخواد، واسه همینه که جوان‌ها تن به ازدواج نمیدن.»

۱۹ ف، ۴۰ ساله و پزشک نیز معتقد است: «تو زندگی باید همه چیز مشترک باشه. رفاه مشترک و تحمل سختی هم مشترک؛ حتی کار خونه یا کار بیرون از خونه. زن و مرد باید از لحظه عقد با هم کار کنند و همه چیز رو شریکی بسازند نه این که مرد تک و تنها همه چی رو بسازه.»

مشارکت‌کنندگان بر این باورند که عبور از بحران‌های اقتصادی ازدواج تنها با پذیرش مسئولیت‌پذیری مشترک میان زن و مرد ممکن است. این دیدگاه بر ضرورت همکاری و تقسیم متعادل مسئولیت‌ها تأکید دارد و نشان‌دهنده تغییر در نگرش سنتی نقش‌های جنسیتی است. چنین رویکردی نه تنها به تأمین امنیت و پایداری خانواده کمک می‌کند بلکه می‌تواند انگیزه و تمایل جوانان به ازدواج را نیز افزایش دهد، چرا که دیگر بار سنگین تأمین همه‌جانبه زندگی تنها بر دوش مرد نخواهد بود.

با توجه به طرح مسئله، چارچوب مفهومی، پیشینه مطالعات و یافته‌های تحقیق، می‌توان نتایج زیر را به‌عنوان تحلیل نهایی این پژوهش ارائه کرد؛ پدیده تجردگزینی در میان مردان مجرد طبقه متوسط شهری در ایران، به‌ویژه در کلان‌شهرهایی مانند تهران، تبریز، مشهد و اصفهان، به‌تدریج به‌عنوان شکلی از زندگی نهادینه و عادی تلقی می‌شود. همان‌گونه که بک در زمینه جوامع در وضعیت مدرنیته دوم توصیف می‌کند، تجرد دیگر یک وضعیت ناهنجار یا انحرافی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌مثابه سبک زندگی خاصی است که در قالب‌های جدیدی مانند همزیستی بدون ازدواج، همبازی یا هم‌خانگی شکل می‌گیرد. در این نوع زیست، اصل بر لذت، خوشی، و منافع فردی است، و همان‌گونه که باومن اشاره می‌کند، روابط در این سبک زندگی سیال، ناپایدار و اغلب موقتی هستند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تغییر در زیست جهان مادی، به‌ویژه زندگی کلان‌شهری، منجر به تغییر نگرش‌ها و ذهنیت‌ها نسبت به ازدواج شده است. این دگرگونی‌ها با نظریه‌های پارسونز، گود، لستهاق و نیز گیدنز و بک درباره تأثیر نوسازی، فردی‌شدن و انتخاب آزادانه در شکل‌گیری خانواده هم‌راستا است. نتایج این پژوهش با مطالعاتی همچون بناری‌زاده (۱۴۰۳)، دهقان‌حصار (۱۴۰۱) و آپوستولو و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد که همگی بر فردی‌شدن تصمیم به ازدواج تأکید دارند. شرایط زندگی آپارتمانی در کلان‌شهرها، هم بعد عینی و هم بعد ذهنی این وضعیت را تقویت کرده‌اند. از یک سو، زندگی در فضاهای شهری به گمنامی، سهولت در ارتباط و شکل‌گیری روابط قبل از ازدواج منجر شده و زمینه ذهنی تجرد را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، فشارهای اقتصادی و سبک زندگی مصرف‌گرا، ازدواج را پرهزینه‌تر کرده و باعث کالایی‌شدن آن شده است. از منظر ذهنی نیز ازدواج دیگر یک تکلیف خانوادگی یا جمعی تلقی نمی‌شود، بلکه انتخابی فردی برای رسیدن به خوشبختی است که با معیارهای جدید همچون لذت، سودمندی شخصی، و روابط عاطفی بازانندیشی شده تعریف می‌شود. همان‌طور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، تجردگرایی با مجموعه‌ای از ارزش‌های فرهنگی نوین در طبقه متوسط شهری همسو است؛ ارزش‌هایی مانند انتخاب آزادانه، رابطه مبتنی بر لذت، رهایی نسبی از قیود عرفی، مذهبی و قانونی، و سیالیت در روابط زناشویی. این نتایج با مطالعاتی مانند پژوهش حبیب‌پور کتابی و غفاری (۱۳۹۵) نیز هم‌راستا هستند که نشان دادند دختران تحصیل‌کرده دیرتر ازدواج می‌کنند زیرا بیشتر بر اساس ارزش‌های فرامادی تصمیم می‌گیرند. نتایج همچنین بیانگر گذار خانواده ایرانی از ساختار سنتی به سوی اشکال مدرن و پسامدرن است. در این گذار، اشکال جدیدی از زندگی مشترک مانند همبازی (هرچند محدود) در کلان‌شهرها در حال ظهورند. با این حال، در برابر این تغییرات، نهادهای سنتی مانند دین، خانواده و دولت همچنان مقاومت می‌کنند. برخلاف دیدگاه‌هایی مانند بک و کاستلز که در مدرنیته شاهد کاهش کنترل بر ازدواج هستند، در ایران، دولت دینی پدرسالار با قوانین سختگیرانه (مانند تعیین مهریه و مخالفت با روابط غیررسمی) همچنان سدی در برابر تحولات خانواده به‌شمار می‌رود. این قید و بندهای چندلایه نه تنها موجب تقویت بنیان خانواده نمی‌شوند، بلکه با افزایش هزینه‌ها و ریسک‌های ازدواج، به شکل‌گیری و تقویت گرایش به تجرد منجر شده‌اند. یکی از راهکارهای ممکن برای تسهیل ازدواج، کاهش و تعدیل قوانین سختگیرانه از جمله در موضوع مهریه و ساده‌سازی سنت‌های ازدواج است. همچنین، بازنگری در نقش‌های جنسیتی سنتی، به‌ویژه در زمینه تأمین اقتصادی خانواده، و پذیرش مسئولیت‌های مشترک توسط زنان و مردان، می‌تواند به بازتعادل در نظام خانواده و کاهش موانع ازدواج منجر شود. با وجود فراگیری نسبی این سبک زندگی، تجردزیستی همچنان جایگزین مطلوب و عمومی برای خانواده هسته‌ای نیست، زیرا دارای پیامدهای فردی و اجتماعی قابل توجهی است. مطابق یافته‌های این تحقیق و سایر پژوهش‌ها همچون (شهریاری و مطیعی‌تبار، ۱۴۰۱؛ طالب‌پور و بیرانوند، ۱۴۰۰)، پیامدهای فردی تجرد شامل تنهایی، احساس طرد، انزوا، و ازخودبیگانگی اجتماعی (به‌ویژه برای دختران با داغ‌نگ

فرهنگی) و پیامدهای اجتماعی آن شامل کاهش ازدواج، گسترش روابط خارج از ازدواج (همباشی، صیغه، و الگوهایی چون شوگرمامی و شوگرددی) است. در نهایت، این پژوهش نشان داد که تحولات ساختاری در جامعه ایران، به‌ویژه در میان طبقه متوسط شهری، ارزش‌ها، هنجارها، سبک‌های زندگی و الگوهای ازدواج را دگرگون ساخته‌اند. ازدواج دیگر نمی‌تواند صرفاً در چارچوب سنتی تفسیر شود. تجردگرایی نه یک آسیب اجتماعی مطلق، بلکه پدیده‌ای اجتماعی، چندوجهی و تا حدی طبیعی و مرتبط با شرایط زیست شهری است که باید با نگاهی تحلیلی و چندلایه، و نه صرفاً ارزشی یا هنجاری، به آن نگریست. این سبک زندگی، در کنار سایر اشکال خانواده، می‌تواند به‌عنوان یکی از الگوهای ممکن در آینده جامعه ایرانی در نظر گرفته شود، حتی اگر همچنان با مخالفت‌هایی از سوی نهادهای سنتی همراه باشد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۵). تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی. تهران: انتشارات تیسرا.
- باومن، زیگموند (۱۳۸۴). عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی. ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- بک، الریش (۱۳۸۸). جامعه در مخاطره جهانی. ترجمه محمد رضا مهدی‌زاده، تهران: انتشارات کویر.
- بگی، میلاد (۱۴۰۲). دلایل و تعیین‌کننده‌های تأخیر ازدواج در ایران. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۴(۱)، ۵۰-۳۱. 10.22108/jas.2022.134561.2312
- بناری‌زاده، مسعود، ملتفت، حسین، رضادوست، کریم، و عربی، علی (۱۴۰۳). کاوش فرایندهای اجتماعی شکل‌گیری زیست مجردانه؛ مورد مطالعه: مردان مجرد شهر اهواز. جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۶(۳)، ۱۴۵-۱۳۰. <https://doi.org/10.22034/scart.2024.140226.1426>
- تانگ، رزمی (۱۳۸۷). نقد و نظر: درآمدی بر نظریه‌های فمینیستی. ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- حبیب‌پور گتابی، کرم و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۵). علل افزایش سن ازدواج دختران، زن در توسعه و سیاست، ۹(۱)، ۳۴-۷.
- دهقان حصار، مهناز، حاج‌حسینی، منصوره، و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۴۰۱). تجرد زیستی در دختران مجرد: مطالعه پدیدارشناختی چالش‌ها و راهبرها، رویش روان‌شناسی، ۱۱(۱۲)، ۲۴-۱۳. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.12.2.1>
- زارع، بیژن، سراج‌زاده، سیدحسین، حبیب‌پور گتابی، کرم، و مداحی، جواد (۱۳۹۹). زیست مجردی جوانان: مسئله‌ای اجتماعی-فرهنگی (رویکردی تحلیلی مبتنی بر آرای ژان بودریار و ریچارد سنیت). مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۲)، ۹۷-۱۲۳. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.2.0>
- شهریاری، مرضیه و مطیعی تبار، نجمه (۱۴۰۱). فهم پدیدار شناسانه تجارب زیسته جوانان مجرد از شیوه جدید دیدن و دیده شدن. تغییرات اجتماعی-فرهنگی، ۱۹(۳)، ۹۳-۱۱۵. ۳۰۴۹۵.۹۳-۱۱۵.۱۹/۱۰/۱۹۷۹.1952274.1979. jssc.2023.1952274.1979/۱۰/۳۰۴۹۵.۹۳-۱۱۵.۱۹(۳)
- طالب‌پور، اکبر و بیرانوند، معصومه (۱۴۰۰). مطالعه کیفی پیامدهای تجرد قطعی دختران. فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۱۱(۱)، ۳۵-۱۰.
- فلیک، اوه. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

- کلاله ساداتی، احمد؛ صادقیه، سارا؛ جعفری نعیمی، فاطمه؛ صادقیان مقدم، زهرا (۱۴۰۲). برهمکنش فرهنگ و تجرد: واکاوی ابعاد فردی و اجتماعی - فرهنگی طولانی شدن دوران تجرد دختران در شهر یزد، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، ۱۸(۳۶): ۹۱-۵۱. <https://doi.org/10.22034/jpai.2024.2023561.1333>
- گاردنر، ویلیام (۱۳۸۷). جنگ علیه خانواده، ایالات متحده و ایران، چاپ دوم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ترجمه معصومه محمدی.
- گنجی، محمد، پیری، حسن، و واحدیان، مرتضی (۱۴۰۰). گونه شناسی دختران ازدواج نکرده ایلامی بر حسب دلایل تجرد، مطالعات زن و خانواده، ۹(۱): ۲۱۲-۱۸۹.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). چشم اندازهای جهانی، ترجمه محمد رضا جلالی پور، تهران: چاپ دوم، انتشارات طرح نو.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش، مراحل و رویه های علمی در روش شناسی کیفی، تهران: جامعه شناسان.
- مختاری، سمانه؛ یوسفی، زهرا و منشی، غلامرضا (۱۴۰۰). شناسایی پدیده تاخیر در ازدواج دختران: نظریه زمینه ای، خانواده درمانی کاربردی، ۲(۲): ۶۶-۴۶.
- وزینی افضل، مجتبی، فیروزی، منیژه، و کشاورز، محمد (۱۳۹۹). سیاست پژوهی تجردگرایی: مطالعه کیفی. رویش روانشناسی، ۹(۵)، ۹۵-۱۰۴. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2383353.1399.9.5.13.4.95-104>
- Apostolou, M., O, J., & Esposito, G. (2020). Singles' reasons for being single: Empirical evidence from an evolutionary perspective. *Frontiers in Psychology. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00746>.
- Chunkai Zhao A., Boou Chen B, Xing Li (2023). Rising housing prices and marriage delays in China: Evidence from the urban land transaction policy. Cities Volume 135, 10421. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104214>
- Good, W., J. (1963) World Revolution and Family Pattern. New York: FreePress. <https://www.jstor.org/stable/26912113>.
- Lesthaeghe, R. & Neels, K. (2002), "From the First to the Second Demographic Transition: An Interpretation of the Spatial Continuity of Demographic Innovation in France, Belgium and Switzerland", European Journal of Population, Vol. 18 (2002), 325-360 .
- Maharaj, P., & Shangase, T. (2020). Reasons for Delaying Marriage: Attitudes of Young, Educated Women in South Africa. Journal of Comparative Family Studies, 51(1), 3-17.
- Matsuda, S., Sasaki, T., Shin, J., & Bae, J. (2023). Deterioration in youth employment, social contexts, and marriage decline in Japan and South Korea. Asian Population Studies, 20(2), 203-221. <https://doi.org/10.1080/17441730.2023.2211402>
- Parsons, J., Edmeades, J., Kes, A., Petroni, S., Sexton, M and Woden, Q. (2015), "Economic impacts of child marriage: A review of the literature". Review of Faith & international Affairs, 13 (3), 12-22
- Raymo, J. M. Uchikoshi, F. & Yoda, S. (2021). Marriage intentions, desires, and pathways to later and less marriage in Japan. Demographic Research, 44, 67-98.
- Sultana, A., Zeeshan, M., & Ahmed, F. (2021). Dilemmas of singlehood in contemporary Pakistani culture: A qualitative study of unheard voices. Pakistan Journal of Gender Studies, 21(1), 1-18. <https://doi.org/10.46568/pjgs.v21i1.509>

References in Persian

- Azad Aramaki, Taghi (2016). *Changes, Challenges and the Future of the Iranian Family*, Tehran: Tisa Publications.
- Banarizadeh, Masoud; Meltafat, Hossein; Rezadoost, Karim; Arabi, Ali (2023). Exploring the social processes of the formation of single life; Case study: single men in Ahvaz city, *Sociology of Culture and Art*, 6(3): 130-145. <https://doi.org/10.22034/scart.2024.140226.1426>
- Bauman, Zygmunt (2005). *Fluid Love: On the Instability of Human Bonds*, translated by Erfan Sabeti, Tehran: Qoqnoos.
- Beck, Al-Rish (2009). *Society in Global Danger*, translated by Mohammad Reza Mehdizadeh, Tehran: Kavir Publications.
- Dehghan Hesar, Mahnaz; Hajj Hosseini, Mansoureh; Gholamali Lavasani, Masoud (2012). Biological celibacy in single girls: a phenomenological study of challenges and solutions, *Rooyesh-e-Raashshani*, 11(12): 13-24. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.12.2.1>
- Flick, OH. (2008). *An Introduction to Qualitative Research*. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Nay Publishing House.
- Ganji, Mohammad; Piri, Hassan; Vahedian, Morteza (2021). Typology of Elamite unmarried girls according to reasons for celibacy, *Women and Family Studies*, 9(1): 189-212.
- Gardner, William (2008). *The War on the Family, the United States and Iran*, 2nd edition, Women's Studies and Research Office, translated by Masoumeh Mohammadi.
- Giddens, Anthony (2005). *Global Perspectives*, translated by Mohammad Reza Jalalipour, Tehran: Second edition, Tarh No Publications.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2383353.1399.9.5.13.4>
- Kalaleh Sadati, Ahmad; Sadeghieh, Sara; Jafari Naeimi, Fatemeh; Sadeghian Moghadam, Zahra (2023). The interaction of culture and celibacy: An analysis of the individual and socio-cultural dimensions of the lengthening of girls' celibacy in Yazd city, *Iranian Sociological Association Letters*, 18(36): 51-91. <https://doi.org/10.22034/jpai.2024.2023561.1333>
- Mohammadpour, Ahmad (2013). *Qualitative Research Method: Anti-Method, Scientific Stages and Procedures in Qualitative Methodology*, Tehran: Sociologists.
- Talebpour, Akbar, & Beiranvand, Masoumeh (2021). Qualitative study of the consequences of girls' permanent celibacy, *Quarterly Journal of Women and Family Studies*, 10(1): 10-35.
- Tang, Rosemary (2008). *Criticism and Commentary, An Introduction to Feminist Theories*, translated by Manijeh Najm-e-Iraqi, Tehran: First Edition, Publishing House.
- Wazini Afzal, Mojtaba; Firouzi, Manijeh; Keshavarz, Mohammad (2019). The Politics of Abstractionism: A Qualitative Study, *Psychology Development*, 9(5): 95-104.
- Zare, Bijan; Serajzadeh, Seyed Hossein; Habib Pourgetabi, Karam; Madadhi, Javad (2019). Single life of youth: A socio-cultural issue (an analytical approach based on the views of Jean Baudrillard and Richard Sennett), *Iranian Social Issues*, 11(2): 97-123.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.20>